

مزامیر ایش 27

- 1 [مزمور داود] خداوند نور من و نجات من است؛ از که بترسم؟ خداوند ملجای جان من است؛ از که هراسان شوم؟
- 2 چون شریران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم، ایشان لغزیدند و افتادند.
- 3 اگر لشکری بر من فرود آید، دلم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز اطمینان خواهم داشت.
- 4 یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید، که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیكل او تفکر نمایم.
- 5 زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود، مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت.

رومیان ایش 3

- 19 الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت میگوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند.
- 20 از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است.
- 21 لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه تورات و انبیا بر آنشهادت می‌دهند؛
- 22 یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست،

متی ایش 2

- 13 و چون ایشان روانه شدند، ناگاه فرشته خداوند در خواب به یوسف ظاهر شده، گفت، برخیز و طفل و مادرش را برداشته به مصر فرار کن و در آنجا باش تا به تو خبر دهم، زیرا که هیروودیس طفل را جستجو خواهد کرد تا او را هلاک نماید.
- 14 پس شبانگاه برخاسته، طفل و مادر او را برداشته، بسوی مصر روانه شد
- 15 و تا وفات هیروودیس در آنجا بماند، تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که، از مصر پسر خود را خواندم.
- 16 چون هیروودیس دید که مجوسیان او را سُخریه نموده‌اند، بسیار غضبناک شده، فرستاد و جمیع اطفالی را که در بیت لحم و تمام نواحی آن بودند، از دو ساله و کمتر موافق وقتی که از مجوسیان تحقیق نموده بود، به قتل رسانید.
- 17 آنگاه کلامی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود، تمام شد،
- 18 آوازی در رامه شنیده شد، گریه و زاری و ماتم عظیم که راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند و تسلی نمی‌پذیرد زیرا که نیستند.
- 19 اما چون هیروودیس وفات یافت، ناگاه فرشته خداوند در مصر به یوسف در خواب ظاهر شده، گفت،
- 20 برخیز و طفل و مادرش را برداشته، به زمین اسرائیل روانه شو زیرا آنانی که قصد جان طفل داشتند فوت شدند.
- 21 پس برخاسته، طفل و مادر او را برداشت و به زمین اسرائیل آمد.
- 22 اما چون شنید که آرکلاؤس به جای پدر خود هیروودیس بر یهودیه پادشاهی می‌کند، از رفتن بدان سمت ترسید و در خواب وحی یافته، به نواحی جلیل برگشت.
- 23 و آمده در بلدهای مسمی به ناصره ساکن شد، تا آنچه به زبان انبیا گفته شده بود تمام شود که، به ناصری خوانده خواهد شد.